

زمان خود وجود داشته و در حال حاضر هم علی‌رغم پیشرفت‌های پزشکی، طب سنتی در جامعه جاری است و مردم به آن اعتقاد دارند، زیرا در قاموس فرهنگ و سنت مردم وارد شده است.

و اما طب اسلامی، اولاً دین اسلام، دین یکتاپرستی و تقوا، دین انسان‌سازی و تکریم اخلاق بشر و رساندن مقام آدمیت به اعلیٰ علیین است، دین اسلام، دین فیزیک و شیمی و ریاضی و پزشکی نیست. گرچه در قرآن و احادیث مطالبی مربوط به علوم مختلف (مثلاً نجوم یا پزشکی) یافت می‌شود، معرفی دین به‌عنوان یک مکتب علمی یا پزشکی از شأن دین می‌کاهد.

قرآن کتاب ریاضی نیست، مسلماً تمام قرآن بر اساس یک نظم خدایی به پیامبر (ص) نازل شده، اما تلاش برای اثبات برخی نظم و ترتیبات ریاضی ممکن است شأن قرآن را کاهش دهد، کما این که، برخی مرتدین نیز اعتقادات خود را با اثبات وجود برخی اعداد و ارقام به نفع خود در قرآن جستجو و به مردم معرفی می‌کنند.

در دین اسلام، مطالب و دستورات بهداشتی زیادی جهت ایجاد و ارتقای سلامت در انسان وجود دارد که شامل آداب تغذیه، آداب مسافرت، آداب نظافت، خوابیدن و ... است که در صدر آن‌ها اعتدال در تغذیه

□ آیا طب سنتی همان طب اسلامی است؟!

جناب آقای دکتر فراز مجاب، استاد فارماکوگنوزی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، طی نامه‌ای برای ماهنامه دارویی رازی با گلایه از این که برخی با سوء استفاده از نام طب اسلامی قصد دارند تا به اهداف خود دست یابند، چنین نگاشته‌اند:

«... برخی نویسندگان و معتقدین، دو واژه طب سنتی و طب اسلامی را مترادف هم در نظر می‌گیرند، ولی به نظر می‌آید این کار اشتباه باشد.

طب سنتی مجموعه‌ای باورها، عقاید و مستندات طبی (به صورت مکتوب یا شفاهی) است که از سالیان قبل در یک جامعه وجود داشته، سینه به سینه یا کتاب به کتاب نقل شده و به عصر حاضر رسیده است. این باورها و این مطالب آن قدر توسط توده مردم استفاده شده و آن قدر در باور و ذهن مردم رسوخ کرده که در زمره سنت و فرهنگ مردم در آمده و مردم به آن اعتقاد دارند [مثل طب سنتی چین (طب سوزنی)، طب سنتی ایران و ...].

مثلاً طب سنتی ایران از صدها سال پیش وجود داشته و مکتب طبی مردم را تشکیل می‌داده، سالیان طولانی مردم بیماری‌های خود را با این مکتب مداوا می‌کرده‌اند، مطالب پزشکی آن در کتب طبی مرسوم

می‌باشد. ولی آن گونه که در مکاتب طبی سنتی مانند طب سنتی ایران و چین، اصول تشخیص بیماری ذکر شده، وجود ندارد. به جز موارد معدود و تک موردی که به سختی قابل تعمیم به همه جوامع امروزی است، اصول طب که تشخیص بیماری است، ذکر نشده، مثلاً تشخیص آسم و علت بروز انواع آن در طب اسلامی طبق آیات و روایات چیست؟

برخی نویسندگان، مطالب طب سنتی مورد نظر خود را با پسوند اسلامی یا قرآنی به جامعه و مردم عرضه و القاء می‌کنند تا با توجه به علاقه ذاتی عموم مردم به دین، ادعاهای خود را تأیید ضمنی کنند. مثلاً مصرف یک گیاه در یک بیماری که در آیات و احادیث نیامده چه ربطی به دین اسلام دارد؟ آیا استفاده از چند گیاه برای شستشوی سر، آن را تبدیل به شامپوی اسلامی می‌کند؟ پس بقیه شامپوهای غیر گیاهی موجود در بازار کشورهای اسلامی همگی غیر اسلامی هستند؟! اینها تحمیق مردم و سودجویی غیرمنصفانه است. گاهی در طب سنتی هم گیاهی ذکر نشده، ولی مدعی جهت اثبات و تأیید گفته خود، آن را به دین اسلامی چسبانند.

اگر طب سنتی و گیاهی، اسلامی است، پس آن چه غیر از آن امروزه در جمهوری اسلامی، در دانشکده پزشکی کشور، تدریس می‌شود و در بیمارستان‌های رعایت می‌گردد، لابد بر این اساس غیر اسلامی است! لابد کتب مرجع علمی دنیا مانند هاریسون و نلسون و سیسیل و ... همگی کتب غیر اسلامی و ضاله هستند، لابد مراجع معظم تقلید که موقع بیماری به پزشک مراجعه می‌کنند، کار غیر اسلامی می‌کنند!!

اصولاً یک رشته علمی را دینی و اسلامی و قرآنی

کردن، صحیح نیست، زیرا آن چه که غیر از آن باشد، غیردینی و مطرود است مثلاً ما روانشناسی اسلامی نداریم، اگر این طور است پس بقیه علم روانشناسی، غیراسلامی است و این تفکیک صحیح نیست، مسلماً در دین اسلام، دستوراتی در مورد روانشناسی داریم که این‌ها هم در زمره علم کلی روانشناسی قرار می‌گیرند.

واقعیت آن است که در پزشکی هم همین طور است و علم طب از قدیم وجود داشته که منشأ آن مصر یا چین یا یونان قدیم بوده و سپس اطباء ایرانی در آن درخشیده‌اند و در حال حاضر هم یک علم طب بیشتر وجود ندارد که به صورت علمی (سنتی، گیاهی و مدرن)، به درمان بیماری‌ها می‌پردازد. مسلماً این مکتب طبی باید و باید مبتنی بر شواهد (EBM) باشد. طب اسلامی و قرآنی و غیر آن نداریم، همه‌اش علم طب است.

نکته دقیق و ظریفی که مدعیان طب اسلامی به آن توجه نمی‌کنند آن است که این‌ها به‌طور بدیهی در ادعاهای خود، فقط باید به اطباء مسلمان در ۱۴۰۰ سال اخیر توجه کنند، اگر این طور است، پس سهم پزشکان غیرمسلمان در این دوره زمانی و سهم پزشکان قبل از اسلام چه می‌شود؟!

در نتیجه، توصیه می‌شود معتقدین به طب سنتی، اگر ادعایی دارند آن را به‌طور علمی و بر اساس منابع معتبر سنتی خود در جامعه مطرح کنند و طبق آن عمل نمایند و از چسباندن کلمه قرآنی و اسلامی به آن به منظور تأیید ادعاهای خود و به منظور جذب مردم (و احیاناً فروش بیشتر!)، خودداری کنند. نکند آن ادعا، ثابت نشود و مردم از دین و اسلام و قرآن زده شوند ...»